

مارکسیزم و مذهب

کاملاً بدیهی و آشکار است که در حال حاضر ما نمی توانیم تبلیغات ضد مذهبی را بر پایه ی جنگ رودررو علیه خدا قرار دهیم. این برای ما کافی نخواهد بود. ما به وسیله ی ماتریالیزم، با وسیع کردن تجارب مشترک توده ها، گسترش افق دانش کارای این تجارب و شدید کردن تأثیر فعال آن ها، توهامات مذهبی را از میدان به در می کنیم؛ و هم چنین در این راستا، در جایی که لازم باشد مستقیماً تعصبات مذهبی را می کوبیم.

مسأله ی مذهب اهمیت بسیار بزرگی دارد و دقیقاً بیشترین آمیختگی را با کار فرهنگی و ساختار اجتماعی داراست. مارکس در جوانی خود گفت: "نقد مذهب اساس هر نقد دیگر است". به این معنی که مذهب نوعی شناخت خیالی از جهان است. این خیال دو منشاء دارد: ضعف انسان در مقابل طبیعت و آشفتگی روابط اجتماعی، ترس از طبیعت یا بی توجهی به آن، ناتوانی در تحلیل روابط اجتماعی یا نادیده پنداشتن آن ها، انسان را بر آن داشت تا با آفریدن تصورات خیالی سعی کند نیازهایش را در جامعه برآورده و آن ها را وقف این حقیقت موهوم کند و در پیشگاه آفریده های خویش زانو بزند. ریشه ی این آفرینش در نیاز عملی انسان برای یافتن سمت و سوی خویش - که به نوبه ای از شرایط تنازع بقاء ناشی می شود- نهفته است.

مذهب، سازشی هدف دار با محیط پیرامون جهت مواجهه ی موفقیت آمیز با تنازع بقاست. در این سازش قوانین سودمند و مناسب وجود دارند ولی تماماً با افسانه ها، اوهام، خیالات و دانش غیرواقعی آمیخته اند. به همان شکل که توسعه ی فرهنگ انباشت و ذخیره ی دانش و مهارت است، نقد مذهب نیز اساس نقد دیگر است. جهت هموار کردن راه برای شناخت صحیح و حقیقی لازم است که شناخت ساخته گی و خیالی را از میان برد و مسأله را به طور کامل در نظر گرفت. از لحاظ تاریخی، نه تنها در موارد فردی که در تکامل کل طبقات، شناخت حقیقی در اشکال و تناسبات مختلف با تعصبات مذهبی آمیخته است. مبارزه علیه مذهب و تمام اشکال افسانه پردازی و موهومات معمولاً زمانی موفقیت آمیز است که ایدئولوژی مذهبی با احتیاجات یک طبقه ی مشخص در یک محیط اجتماعی جدید در تناقض باشد. به عبارت دیگر، وقتی گردآوری شناخت و نیاز برای شناخت در چارچوب حقایق غیرواقعی مذهب قرار نگیرد، یک ضربه ی تیغ انتقاد کافی است تا پوسته ی مذهب را فرو اندازد.

موقعیت فشار ضد مذهبی که ما در چند سال اخیر اعمال کرده ایم با این حقیقت قابل توضیح است که سطوح انقلابی و مترقی طبقه ی کارگر از پوسته ی تعصبات مذهبی ای که با پیش رفت های قبلی به تدریج پوسیده شده بود، به راحتی رهایی یافته اند. ولی وضعیت هنگامی تغییر چشم گیری می کند که تبلیغات ضد مذهبی بر کمتر طبقات فعال جمعیت روستاها و شهرها تأثیر گذارد. شناخت حقیقی که به وسیله ی این تبلیغات به دست آمده است آن قدر محدود و ناقص است که می تواند به موازات تعصبات مذهبی قرار

گیرد. با انتقاد صریح از این تعصبات، هیچ گونه پشتیبانی شخصی و تجربه‌ی مشترک یافت نمی‌شود و هیچ نتیجه‌ای به دست نمی‌آید.

بنابر این لازم است که از زاویه‌ی دیگر برخورد کرد و دایره‌ی تجربه‌ی اجتماعی و شناخت حقیقی را بزرگ نمود. راه‌هایی که به این نتیجه می‌رسند متفاوت اند. سالن‌های غذاخوری عمومی و شیرخوارگاه‌ها ممکن است به قوه‌ی درک زن خانه‌دار یک انگیزه انقلابی بدهند و مراحل گسستن از مذهب را به غایت در او تسریع کنند. روش سمپاشی هوایی برای نابود کردن آفات نباتی ممکن است چنین نقشی را در مورد دهقان ایفا کند. همین‌که کارگر مرد و زن در انجمن‌ها شرکت می‌کنند - انجمن‌هایی که آن‌ها را به بیرون از قفس تنگ و کوچک طبقه‌ی خانواده با آن شکل و تصویر خاص خودش راهنمایی می‌کنند - یکی از راه‌ها برای رهایی از تعصبات مذهبی را باز می‌کنند و غیره غیره. این انجمن‌ها به طور حتم می‌توانند نیروی مقاومت علیه تعصبات مذهبی را بسنجند و راه‌های غیرمستقیم برای توسعه‌ی تجربه و شناخت را پیدا کنند. پس به جای حملات مستقیم به وسیله‌ی تبلیغات ضد مذهبی، ما از محاصرات، سنگربندی‌ها و مانورهای غیرمستقیم استفاده می‌کنیم. در کل، ما هم اکنون به چنین دوره‌ای وارد شده‌ایم، اما این بدان معنا نیست که در آینده هیچ حمله‌ای نخواهیم کرد، فقط لازم است که برای آن آماده شد.

آیا حمله‌ی ما بر مذهب درست است یا نادرست؟ درست است. آیا نتایجی به بار آورده است؟ بلی. چه کسانی را به سمت ما سوق داده است؟ آنانی را که برای رها کردن کا مل خویش از تعصبات مذهبی با به کارگیری تجارب گذشته آماده گشته اند. اضافه بر آنان، کسانی را که حتی تجربه‌ی بزرگ انقلابی اکتبر از مذهب نرهانید. در این روند، روش‌های قراردادی انتقاد، هجو،

کاریکاتور ضد مذهبی و مانند آن، کارایی بسیار کمی دارند، و اگر فشار قوی تر شود ممکن است نتیجه‌ی وارونه به دست آید. اگر شخصی با مته و چکش برای نفوذ به این سنگ دست به کار شود و یا بخواهد که با شاخه‌های دینامیت آن را منفجر سازد - با توجه به این حقیقت که این سنگ آن قدرها هم استوار نیست - پس از مدت کمی یک انفجار و ریزش جدید روی خواهد داد. به این صورت که یک لایه‌ی دیگر مردم از توده‌ی بزرگ تری جدا خواهد شد...

قطع نامه‌ی هشتمین نشست حزب به ما می‌گوید که، در این راستا، ما در حال حاضر باید از انفجار و حمله‌گذر کنیم و به یک کار زیرزمینی گسترده‌تر بپردازیم؛ اول از همه به وسیله‌ی تبلیغ علوم طبیعی.

برای نشان دادن این که چگونه یک حمله تدارک ندیده‌ی مستقیم بعضی اوقات می‌تواند یک نتیجه‌ی کاملاً غیره منتظره به بار بیاورد، یک نمونه‌ی خیلی جالب از حزب کمونیست نروژ را یادآوری می‌کنیم. چنان که همه می‌دانیم، در سال ۱۹۲۲، این حزب به اکثریت اپورتونیست تحت رهبری "ترانمل" و یک اقلیت انقلابی وفادار به کمونیست بین الملل منشعب شد. من از رفیقی که در نروژ زندگی می‌کرد پرسیدم که چگونه ترانمل موفق به بدست گیری اکثریت شد - البته فقط به طور موقت. او به ماهیت مذهبی کارگران و ماهی گیران نروژی به عنوان یکی از علت‌ها اشاره کرد. از آن جایی که شیلات از استاندارد و تکنیک خیلی پایین برخوردار و تماماً به طبیعت وابسته است، زمینه‌ای است برای متعصبان و خرافه پرستان؛ و از سوی دیگر، مذهب برای ماهی گیر نروژی چیزی شبیه به یک تن پوش محافظت کننده است. در اسکاندیناوی تعدادی از روشنفکران و دانشگامیان

وجود داشتند که با مذهب لاس می زدند. اگر چه از مارکسیزم بسیار عادلانه سیلی خوردند. اپورتونیست های نروژی جهت به کارگیری ماهی گیران علیه کمونیست بین الملل، به مهارت از این رفتارها بهره جستند. ماهی گیر، یک انقلابی، عمیقاً مشفق جمهوری شورایی و با تمام وجود طرف دار و معتقد به کمونیست بین الملل، به خودش گفت: از این دو حال خارج نیست، یا باید هوادار کمونیست بین الملل باشم، اما بدون خدا و ماهی، یا خواهی نخواهی باید از آن دل بریدی. و او برید. این نمونه، شیوه ی راه یابی به سیاست پرولتاریا را نشان می دهد.

البته در مورد دهقانان ما، که سرشت سنتی- مذهبی آنان با وضعیت کشاورزی پس روی ما گره خورده است، این موضوع باید کلی تر بررسی شود. ما فقط با الکتریکی و شیمیایی کردن کشاورزی دهقانان بر تعصبات عمیق و ریشه دار آنان غلبه خواهیم کرد. این بدان معنا نیست که از دیگر پیش رفت های تکنیکی و جنبش های اجتماعی مساعد برای تبلیغات ضد مذهبی نباید سود برد. نه، همه ی این ها مثل آن چه که گفته شد واجب است ولی ما باید از یک دیدگاه کلی و عمومی برخوردار باشیم. تنها با بستن کلیسا ها، آن چنان که در بعضی نقاط انجام شده است، و یا با افراط و تفریط اداری، نه تنها قادر نخواهیم بود به هیچ موفقیت قطعی دست یابیم، که بالعکس راه را برای قوی تر بازگشتن مذهب هموار می کنیم.

اگر این درست است که نقد مذهب اساس هر نقد دیگری است، پس این نیز دور از حقیقت نیست که در عصر ما الکتریکی کردن کشاورزی اساسی برای از بین بردن خرافه پرستی های دهقان است. در این جا به گفتار برجسته ای از انگلس رجوع می کنم. در سال ۱۸۸۲، او نامه ای به "برنشتن" نوشت که

در آن مستقیماً بر مسأله ی الکتریکی کردن و از بین بردن شکاف بین شهر و روستا اشاره کرده است. به یاد می آورید که در سال ۱۸۸۲، یک مهندس فرانسوی به نام "دپر" روشی برای انتقال انرژی الکتریکی از میان یک سیم را یافت و در نمایشگاهی در مونیخ، انتقال انرژی الکتریکی با قدرت یک یا دو اسب بخار برای حدوداً پنجاه کیلومتر را به نمایش گذاشت. این کار بر انگلس که نسبت به هر اختراعی در رشته ی علوم طبیعی، تکنیک و غیره بی نهایت حساس بود، تأثیر فوق العاده ای گذاشت. او به برنشتن نوشت: "جدیدترین اختراع دپر... علاوه بر این که صنعت را از هر انحصار و محدودیت مکانی می رهاند، استفاده از حتی دورترین منابع آبی را نیز میسر می سازد؛ و اگر در وهله ی اول فقط در خدمت شهرها قرار گیرد، سرانجام تبدیل به قدرتمندترین اهرم برای نابود کردن تضاد بین شهر و روستا می شود."

ولادیمیر ایلیچ (لنین) از این متن خبر نداشت. این نامه اخیراً منتشر شد؛ با این وجود او بر این عقیده بود که الکتریسته می تواند دگرگونی عظیمی در روحیه ی دهقان به وجود بیاورد.

در پروسه ی نابودی مذهب، دوران های متفاوتی از افت و خیزها وجود دارند که شرایط کلی فرهنگ آن ها را تعیین می کنند. همه ی انجمن ها باید نظاره گر باشند. آن ها باید همیشه به حزب برای یافتن موضع اش در برخورد با این مسأله کمک کنند، لحظه ی مناسب پیدا کنند و در یک دوران مقتضی دست به کار شوند.

از بین رفتن کامل مذهب فقط زمانی انجام پذیر است که یک ساختار سوسیالیستی کاملاً پیش رفته وجود داشته باشد، یعنی تکنیکی که انسان را از هرگونه وابسته گی خفت بار به طبیعت آزاد می سازد. این نابودی، تحت روابط

اجتماعی که عاری از هرگونه نمایش مذهبی و کاملاً سالم هستند و نوع بشر را سرکوب نمی کنند می تواند به انجام برسد. مذهب، بی نظمی طبیعت و بی نظمی روابط اجتماعی را به زبان تصویرهای خیالی ترجمه می کند. فقط نابودی بی نظمی های زمینی می تواند به واکنش های مذهبی اش برای همیشه پایان دهد. یک زندگی اجتماعی برنامه دار، آگاهانه و معقول در تمامی سطوح اش، هرگونه نمایش مذهبی و شیطان صفتی را برای تمام اعصار منسوخ خواهد ساخت.

لئون تروتسکی

ترجمه: سیامک شایان

منبع: نشریه کارگر سوسیالیست شماره ۳۰ - مهر ۱۳۷۴

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴